



۲۰۱۸/۰۲/۰۸



شیر محمد ساپی

## مقدمه ای بر سیاست نیمه کاری

### نقد یا تهمت زنی!

"دزدی های رحمان بابا از حافظ شیراز" از داکتر صبوراالله سیاسنگ

قسمت دوم (۱):

### فارسیهود میراث گرانبهای فرهنگی یهودیان ایران!

تلخیص و تنقیح: انجنیر: شیرسآپی

"ورود قوم یهود به سرزمینی ایران در حدود ۷۲۲ ق م آغاز شد. پادشاهان آشور ده قبیله از فرزندان یعقوب را از سرزمین اسرائیل به نینوا کوچ دادند. مهاجرت یهودیان در زمان کورش کبیر و پس از فتح بابل در ۵۳۹ ق م و آزاد ساختن اسرای یهودی، که بخ تالنصر دوم در ۵۸۶ ق م از اورشلیم به بابل به اسارت آورده بود، ادامه یافت. پیگیری وقایع تاریخی این ۲۷۰۰ سال را به کتاب های تاریخ وگذار میکنیم"<sup>(۱)</sup>.

"پارسایان یهود، فریسیان: فریسیان، در کنار صدوقیان و اِسِنیان، یکی از سه فرقه کلامی (مکاتب فکری) یهوداست. آنچه باعث تمایز فریسیان از دیگر فرقه های کلامی شد، اعتقادات خاص آنان بود. زیرا آنان اعتقاد داشتند تمامی شریعت یهود که از طرف خداوند نازل شده، در تورات موسی (ع) ثبت نشده است. همچنین معتقد بودند که میان تقدیر و آزادی اراده (اختیار)، اثری متقابل و ظریف وجود دارد و ارواح همه فناپذیرند. ارواح نیک، حیات جاودانی یافته و ممکن است به بدن های نیک انتقال یابند (تجدید حیات)، و ارواح شریر به عذاب جاودان محکوم می شوند. اهمیت تاریخی فریسیان نخست با ارتقاء دادن خود به جانشینان حضرت موسی (ع) و با اعلان اینکه شریعت دوگانه تعیین کننده است نه فقط شریعت مکتوب، یهودیت را به کلی متحول کردند. شریعت شفاهی فریسیان موجب پدید آمدن میشنا، تلموذهی بابلی و فلسطینی، ادبیات گائونی و مجموعه های گوناگون قوانین یهود شد"<sup>(۲)</sup>.

۱- حبیب لوی، تاریخ یهود ایران (چاپ ۲؛ لو س آنجلس: سازمان فرهنگی ایرانیان یهودی، ۱۹۸۴)؛ حبیب لوی، تاریخ جامع یهود ایران، بازنوشته هوشنگ ابرامی

۲- سیان، پارسایان یهود (انجمن کلیمیان تهران)

**Farsī-yahūdī - ادبیات یهودیان : "شاهین" بزرگترین شاعر یهودی ایران که "تورات" را به نظم کشید.**

"شاهین نخستین منظومه شعری خویش را از صحیفه دوم تورات (کتاب خروج) آغاز کرد و سپس به صحیفه های لاویان، اعداد و تثبیه پرداخت. این چهار کتاب را به نظم کشید و حدود ده تا دوازده هزار شعر سرود.

شاهین ، نام سروده های خود را "موسی نامه" گذاشت. علت آن بود که در صحیفه نخست تورات (پیدایش) نامی از موسی برده نشده و سرگذشت او از صحیفه خروج آغاز می گردد.

پس از تکمیل چهار صحیفه تورات، او می رود و "تومار استر" و "کتاب عزرا" را که هر دو بخشی از مجموعه کتاب مقدس یهودیان هستند ، آن ها را به نظم می کشد.

شاهین نام بخش اعظم کتاب جدید خود را "اردشیر نامه" می نهد و بخش کوچک آن را "عزرا نامه" می خواند.

اردشیر نامه در قالب حماسی در ده هزار بیت ؛ داستان اردشیر (بهمن) و ملکه استر را با اقتباس از کتاب مقدس سروده است .

سومین اثر شاهین منظومه ای از دو موضوع مهم است که بخش نخستین آن داستان آفرینش را بیان می کند( صحیفه نخست که همانا کتاب پیدایش است) و بخش دوم که شاید دو سوم سروده را شامل می گردد، به داستان یوسف و زلیخا ارتباط دارد.

شاهین، کاری کرد که تورات را به قالب شعر درآورد (شاهنامه یهودی) و آن را به تفصیل انجام داد. همه سروده های شاهین بیش از سی هزار بیت است.

شاهین ، با چه زیبایی چهره طبیعت را در برابر چشمان ما مجسم می کند و می گوید:

چون فصل بهار چهره بنمود	از روی چمن نقاب بگشود
سوسن بکشید تیغ تازی	با بید شد او به نیزه بازی
نرگس بگشاد دیده مست	شد سرو سهی به نزد او پست
گل جامه درید بی بهانه	در پای چنار عاشقانه
خیری بشکافت خرم از باد	بر باغ فروه و حسن شمشاد
نسرین به فراز گلبن خار	رخشده چو بر سپهر دوار
شد زلف بنفشه تاب داده	چون نیشتر های آب داده
برقع بگشاد لاله از روی	پیرامون بستان به هر سوی

[http://www.iranjewish.com/Essay/Essay\\_۱۸\\_Farsian.htm](http://www.iranjewish.com/Essay/Essay_۱۸_Farsian.htm)

گردید چو بوی مشک بستان      چون مجمر عود در شبستان  
 بر دار، شکوفه گشت خندان      بنموده ز باد صبح، دندان  
 نیلوفر از آب سر کشیده      در بر، همه جامه ها دریده  
 سر پیش فکنده نسترن شاد  
 غم داده به بوی دوست، برباد

این سروده ها همه از قرن چهاردهم میلادی است که قرون وسطی نامیده می شود.

یکی دیگر از سروده های شاهین که در آن رنگ آمیزی بسیار جالبی را از محیط طبیعت در برابر خواننده شعر تصویر می کند.

بلبل به چمن کشیده آواز      با دلبر خویش گشته هم راز  
 طوطی و دُراج و کبک و دستان      خندان شده در میان بستان  
 قمری و سقا و هدهد و سار      با هم، همه در نوا و گفتار  
 سنقر و پلنگ و باز و تیهو      شادان به کنار سبزه، آهو  
 گنجشک و قطاف بر سر شاخ      در سینه گشاده راز، گستاخ  
 شاهین و عقاب و کرکس و باز      با هم همه در نشاط و پرواز  
 سی رود و پرستو و کبوتر      پرواز کنان به گرد عَرَعَر  
 آهو و گوزن و گور در دشت      پیرامون آب و سبزه در گشت  
 دام و دد و شیر و ببر و گفتار      هرکس پی صید خویش درکار  
 خرگوش و شغال و میش و روباه      آسوده و شاد در چراگاه  
 زراف و پلنگ و گرگ و گُراز      هریک شده با نشاط هم راز  
 یوز و شق و سُمور و سَنجاب      با سوسن و گل بنفشه در تاب  
 ماهی و نهنگ و راسو و مار      از بوی بهار رفته از کار  
 مور و مگس از درون خانه      سر بر زده بر امید دانه

به راستی توجه کنید که سرودن چنین شعری و آوردن نام این همه جانداران در یک شعر کوتاه به زبردستی و دانش نیاز دارد که بتواند زیبایی های طبیعت را این چنین دلنشین تصویر کند.

شاهین ، احساس حضرت یعقوب و حزن و اندوه عمیق او را به خواننده انتقال می دهد.

ابا خورشید خوبانم چه کردید؟      ابا آن ماه کنعانم چه کردید؟  
کجا بردید آن سیمین لقا را؟      کجا بردید آن ماه سماء را؟  
کجا بردید آن شیرعرین را؟      کجا بردید آن دُرّ سمین را؟  
کجا بردید آن شیرین زبان را؟      کجا بردید آن شِگَر لبان را؟

در این جاست که حضرت یعقوب با پیراهن فرزند گمشده به راز و نیاز می پردازد.

به گفت ای پیرهن، شاهدت کجا رفت؟      خداوند کم آزارت کجا رفت؟  
کجا رفت مونس و یار گزینت؟      کجا رفت آن نگار مهجبینت؟  
چرا دوری از آن محبوب و یارت؟      چرا دوری ز یارغم گسارت؟  
چرا دوری از آن شمع شبستان؟      چرا دوری از آن شمشادِ بستان؟  
چرا دوری از آن فخر زمانه؟      چرا دوری از آن ماه یگانه؟  
چرا دوری از آن یار عزیزم؟      چرا دوری از آن زیبا ثمینم؟

اکنون ببینید که زلیخا به یوسف چه می گوید:

ترا هنگام ذوق و کامرانی است      گلستان رخت، پژمرده از چيست؟  
پری از روی خوبت در حجاب است      غلام حُسن رویت، آفتاب است  
تو شاهِ جمله خوبانِ جهانی      همه جسمند در خوبی، تو جانی

شاهین در یکی از سروده های خود شکایت می کند.

کسی قدر هنروران نداند      نادان، شب و روز کام راند  
عزت ز میان پیر و برنا      برخاست و نماند قدر دانا

پایان قسمت دوم (۱)  
ادامه دارد

قسمت اول

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Saapi\\_sher\\_moh\\_naqd\\_yaa\\_tohmat.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Saapi_sher_moh_naqd_yaa_tohmat.pdf)